

است به اهداف خود در سیاست خارجی برسیم، باید یکسری اصول رعایت شود، یکسری مسیرها طی شود و یکسری ملاحظات در نظر گرفته شود. وگرنه شما در سیاست خارجی هر چقدر هم اهداف خوبی داشته باشید ممکن است دست و پایتان بسته شود تا راه برایتان مسدود شود و آن موقع به دلیل عدم رعایت برخی ملاحظات یکسری اهداف بزرگ را قربانی می‌کنید. اگر ما در اینجا هستیم برای تأمین امنیت، منافع ملی و عزت کشور است، به هر حال باید مسیری را طی کنیم که به این اهداف برسیم. اصلاً برای من مهم نیست که اسم عراقچی بزرگ شود یا کوچک شود. مهم این است که منافع کشور تأمین شود. مهم نیست که از عراقچی انتقاد کنند یا تعریف کنند، مهم این است که خودم می‌دانم در کجا دارم حرکت می‌کنم و به دنبال تحقق کدام اهداف کشور و مردم هستم و این مشخصه سیاست خارجی و کارگزاران سیاست خارجی است. من دیپلمات تربیت شده‌ام که ملی فکر کنم و در همین جهت هم حرکت خواهم کرد. به هر جا که فکر کنم منافع ملی کشور تأمین می‌شود، می‌روم و وظیفه خود را انجام می‌دهم. حالا می‌خواهد در نیویورک باشد یا در کابل یا بیروت.



◀ آقای دکتر، وقتی شما بحث «محدودسازی دشمنی» را به عنوان یکی از سیاست‌های خود در وزارت امور خارجه به مجلس اعلام کردید، کلمه و عبارتی را به کار بردید که نشان داد یک دیپلمات پراگماتیست هستید. پلنی که مطرح کردید تقریباً شبیه طرحی است که «مک گورگ» دستیار خاورمیانه‌ای آقای بایدن تحت عنوان محدودسازی تنش با ایران مطرح کرد. نه پلن A نه پلن B بلکه گفتید قصد دارید پلن C را شروع کنید؛ یعنی معطوف به حوزه عمل و ضرورت‌های حوزه عمل تصمیم بگیرید. در بینابین

راهبرد صبر ما مبتنی بر یک صبر انفعالی نیست، بلکه صبر همراه با ابتکار عمل است. در حالی که به صراحت می‌گوییم که تحت فشار حداکثری آمریکا مذاکره نمی‌کنیم، ولی مذاکرات مان با سه کشور اروپایی ادامه دارد

حرف‌های شما بارها ضرورت‌های حوزه عمل را شنیدیم. آیا تفاوت وزارت امور خارجه شما با وزارت امور خارجه دوره آقای روحانی معطوف به این نگاه و رویکرد می‌شود؟ من در مجلس درباره آمریکا گفتم سیاست ما مدیریت تنش خواهد بود نه از بین بردن تنش؛ چون معتقدم که یکسری مسائل و اختلافات اصولی بین ما و آمریکا وجود دارد که اصولاً قابل حل نیست؛ یعنی تا زمانی که آمریکا خوی سلطه‌گری و استکباری خود را دارد و جمهوری اسلامی نیز آرمان‌های خود را دارد و به آنها پایبند است، این دو با هم سر سازگاری نخواهند داشت. بنابراین تا وقتی آمریکا، آمریکاست و جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی است، دوستی بین اینها را نخواهیم داشت. اما این دلیل نمی‌شود که دشمنی و اختلافات موجود را مدیریت نکنیم تا هزینه‌ها کاهش پیدا نکنند. ما می‌توانیم هزینه‌ها را کاهش دهیم. دلیل ندارد که مردم ایران هر هزینه‌ای را بدهند و هر فشاری را تحمل کنند. اگر می‌توانیم هزینه‌ها را کاهش دهیم، باید مدیریت کنیم. حالا اسم این سیاست پراگماتیسم یا هرچه هست، من معتقدم باید یک نگاه بینانه به سیاست خارجی داشت، آرمان‌ها را باید در نظر گرفت ولی واقعیت را هم باید در نظر گرفت و هر دو را با هم پیش برد.

